



اقتصاد خانواده در سیره و معارف حضرت امام رضا (ع)

سهراب نجفی^۱، کبری شیری^۲

چکیده

در تعالیم اسلامی، اخلاق و اقتصاد پیوندی ناگسستنی دارند و فعالیت های اقتصادی انسانی بر پایه باور به تکالیف الهی استوار گردیده است و انسان های دین باور، در گردش ثروت و شیوه های تولید، توزیع و مصرف بخصوص در امور اقتصاد خانواده مسئولیت سنگینی برعهده دارند. پژوهش حاضر نشان می دهد که در سیره رضوی تاکید فراوانی به تلاش و کوشش، میانه روی و اعتدال، کسب روزی حلال برای تامین معاش خانواده و جلوگیری از اسراف و تبذیر و تباه سازی اموال شده است که این توصیه ها بیانگر توجه به تمام ابعاد زندگی انسانی به ویژه بعد اقتصادی در سیره عملی و گفتاری آن حضرت است. حال اگر این دستورات در کلیه شئون زندگی افراد مورد توجه قرار گیرد برای هر انسانی در هر عصری مفید و سازنده خواهد بود و کلیه عقب ماندگی ها و فقر های (فقر فرهنگی و اقتصادی) خانواده از بین خواهد رفت و این بهترین دستاورد تعالیم آن حضرت برای بشر امروزی است.

کلید واژه : امام رضا (ع)، اقتصاد ، خانواده

Family economy at Imam Reza(peace be upon him) life and teachings

Abstract

In Islamic teachings, morals and economy has Irrefragible relationship and human economic activities have firmed based on the belief of divine instruction and believer person have burden responsibilities in wealth circulation and methods of production, distribution and consumption in family economy affairs ,especially . recent research showed that at Razavi life ,it has been emphasized on effort and struggle ,moderation and earning lawful sustenance for supplying daily bread of family and prevention of Prodigality and spoiling properties a lot that these recommendation indicated the attention to the whole dimentions of human life of Imam Reza , specially in economic and practical and verbal life of him.Now if these recommendations consider in whole dimentions of people life , it will be useful and effective in each time and , it will be eliminated whole backwardness and economic and cultural poverty and therefore , this the best achievement of Imam Reza's teachings for contemporary mankind.

Key words: Imam Reza(peace be upon him), economy, Family

^۱ دانشجوی دکتری رشته برنامه ریزی درسی دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه بوعلی سینا همدان، نویسنده مسئول ، پست

الکترونیک: Sohrab95@gmail.com ، شماره تماس: ۰۹۳۷۴۵۹۳۲۵۴

^۲ دانشجوی کارشناس ارشد برنامه ریزی درسی دانشگاه پیام نور تهران واحد پردیس پست الکترونیک: Kobra shiry@yahoo.com



۱- مقدمه

انسان با توجه به تمایلی که به ارضای نیازهای خود دارد، همواره سعی می‌کند با صرف حداقل تلاش یا هزینه، حداکثر نتیجه را به دست آورد، دستیابی به چنین راه و روشی پایه فکری دانش یا روشی است که اقتصاد نامیده شده است. در تعریف اقتصادی توان گفت «اقتصاد» علم یا روشی است که رفتار و رابطه انسان را با اشیای مادی مورد نیاز او که به رایگان در طبیعت نمی‌یابد، مطالعه می‌کند. مطالعه اقتصاد باید امکان نیل به درک، بیان و تاحدی پیش‌بینی رفتار انسان را در جهت خودکفایی و بی‌نیازی و آسایش در زندگی فرد فراهم سازد؛ و در گام بعدی به بهبود رفاه مادی و اجتماعی بشر بینجامد. بر همه کس روشن است که آسایش و آرامش زندگی خانوادگی تا حدی به اقتصاد وابسته است و اگر تا حدودی نیازهای مادیش تامین نشود اعضای خانواده در رفاه و آسایش نخواهند بود؛ این رو برآوردن نیازهای خانواده وظیفه اسلامی هر فرد است. خانواده به عنوان جامعه کوچک و هسته اصلی جامعه‌سازیهایی بزرگ، باید بستری مناسب برای انسان سازی و انسان پروری باشد و این امر با تأمین نیازهای لازم و ضروری بخصوص نیازهای رفاهی افراد خانواده تأمین می‌شود. که اگر این نیازها به صورت معقول و منطقی برآورده نشود، از اصل تداوم حیات و زندگی محروم می‌گردد و یا از شکوفایی و تکامل باز می‌ماند. اسلام به واقعیت زندگی آدمی کاملاً توجه دارد و کیان مادی و معنوی انسان را مهم می‌شمارد و میان بعد مادی و معنوی انسان پیوندی ناگسستنی برقرار می‌سازد و معنویت و دین‌باوری و پارسایی و تکامل معنوی او را در پرتو رفاه و امکانات اقتصادی ممکن می‌سازد. از نظر اسلام محور اصلی استواری خانواده‌ها پس از زیربنای اصولی و اعتقادی، تأمین معیشت و رفاه اقتصادی است که بستر مناسب آسایش و رشد تعالی جسمی و روحی و مادی و معنوی را فراهم می‌سازد. بر این اساس بخش بزرگی از آموزه‌های قرآنی و سیره پیامبر(ص) وائمه اطهار(ع) به مسائل اقتصادی و مادی اختصاص یافته است. نوشتار حاضر نیز در راستای همین مسئله به کندوکاو در خصوص اقتصاد و خانواده در اندیشه‌های پربار ثامن الحجج علی بن موسی الرضا(ع) پرداخته است.

۲- اسلام و اقتصاد

برای علم اقتصاد در تاریخ عقاید اقتصادی، تعاریف زیادی بوسیله اقتصاد دانان مختلف ارائه شده است. بعضی از اقتصاد دانان مانند آدم اسمیت^۱ اقتصاد را رابطه ثروت می‌داند به اعتقاد این گروه، اقتصاد علمی است که تولید، مصرف و توزیع ثروت را بررسی می‌کند. بعد از اسمیت، ریکاردو^۲ هدف اساسی بررسی‌های اقتصادی را توزیع ثروت می‌داند و به توزیع، بیشتر از تولید اهمیت می‌دهد. آلفرد مارشال^۳ اولین اقتصاد دانی است که مسئله رفاه را در علم اقتصاد مطرح می‌کند. او هدف اقتصاد را در رفاه انسان و ثروت را وسیله‌ای برای رسیدن به این هدف می‌دانست و معتقد بود که اقتصاد از یک طرف با مطالعه در مورد ثروت و از طرف دیگر با مطالعه درباره رفاه انسان سروکار دارد. (عمادزاده، ۱۳۷۸، صص ۱۴-۱۷)

مسئله اقتصاد به عنوان یکی از عوامل مهم توسعه کشورها به شمار می‌رود و توسعه اقتصادی بی‌ساز پیشرفت در زمینه‌های گوناگون است، به نحوی که شاخص‌های توسعه اقتصادی ارتباط مستقیمی با افزایش بهره‌وری‌ها و در نتیجه رشد مستقیم صنعتی، علمی و... دارد. اقتصاد در لغت به معنی میانه روی، و در میان راه‌های منحرف به راه میانه گفته می‌شود و در قرآن کریم آمده: «و علی الله قصد السبیل و منها جائز» (قرآن مجید سوره نحل آیه ۲) و در احادیث نیز میانه روی در امور مالی که تعادل در دخل و خرج تعبیر می‌شود نیز به کار رفته است. روبروی مفهوم اقتصاد (لغوی) «اسراف» «السرف مثوأة و القصد مثرأة» (شیخ صدوق، ج ۲، ص ۶۸)؛ را تعریف کرده‌اند که اسراف مایه نابودی و میانه روی مایه توانگری است. در تعریف اصطلاحی، اقتصاد در مدل غربی به معنی مدیریت منابع محدود برای پاسخگویی به نیازهای نامحدود است. پرسش بنیادین برای دانش اقتصاد در غرب، مسئله حداکثر شدن رضایت و مطلوبیت انسانهاست. اسلام نیز به مسئله اقتصاد توجه بسیاری دارد در مدل اسلامی، اقتصاد به معنی مدیریت نیاز انسان به جای مدیریت منابع مهمترین مسئله است و براساس حدیث معروف «من لا معاش له لا معاد له» اقتصاد و برنامه ریزی برای معاش باید طوری باشد که معاد انسان را رقم بزند و کسب رضایت خداوند به عنوان غایت و نهایت مطلوب اقتصاد در نظر گرفته شود. یکی از اصول اولیه اقتصاد سالم، حیات و قابلیت رشد و نمو ثروت است. اقتصاد سالم یعنی اقتصاد قائم به ذات و بی‌عیب و غیر قائم به غیر. از نظر اسلام هدف‌های اسلامی بدون اقتصاد سالم تأمین نمی‌شود. اسلام می‌خواهد غیر مسلمان در مسلمان تسلط و نفوذ نداشته باشد. این هدف هنگامی میسر است که ملت‌های مسلمان در اقتصاد نیازمند نباشند و دستشان به طرف غیر مسلمان دراز نشود. بر اساس دید و بینش اسلامی تأمین مخارج اهل خانه بر عهده مردان است اگر چه زنان درآمدهای بسیاری داشته باشند. به علاوه فرزندان نیز تا روزی که به توان و قدرت کسب درآمد و تشکیل زندگی نرسیده باشند، همچنان باید از طریق خانواده تأمین گردند و این حق آنهاست.

^۱ Adam Smith

^۲ David Ricardo

^۳ Alfred Marshall



برای جبران فقر و تامین هزینه زندگی خانواده در اسلام اصل بر این گذاشته شده است که آدمی اوقات شبانه روز خود را تقسیم کند و ساعتی را برای کاروتلاش اقتصادی خود اختصاص دهد و از این طریق درآمدی را برای اهل خانه تامین نماید. در روایات اسلامی زیاد بر کسب روزی از راه حلال تاکید و توصیه شده است اما در کسب روزی باید از حرص زدن پرهیز شود. بنابراین دین اسلام، به عنوان کامل ترین دین که با فطرت انسان مطابقت کامل دارد و پاسخگوی تمام نیازهای او می باشد، بهترین روش را در حوزه اقتصاد بیان نموده است تا جایی که تامین مخارج خانواده در کنار جهادآمده است در همین راستا برآنیم تا در این مقاله، با بهره گیری از دیدگاهها و سیره متعالی حضرت علی بن موسی الرضا(ع) به موضوع اقتصاد به ویژه اقتصاد و خانواده بپردازیم.

۳- اندیشه های اقتصادی امام رضا (ع)

۱-۳ اسراف نکردن و صرفه جویی از منظر امام رضا (علیه السلام)

امام رضا (ع) می فرماید: لیس فیما ینفع البدان اسراف، انما الاسراف فیما اتلف المال و اضرب بالبدن ((در مصرف آنچه بدن مفید است اسراف نمی باشد، همانا اسراف در چیزی است که مال را تلف کند و به بدن ضرر زند)) (کتابچی، ۱۳۷۹، ص ۱۲) اسراف، سرگرانی با خداوند و نعمت های اوست آن که در به دست آوردن حتی لقمه ای نان، «ابر و باد و مه خورشید و فلک» و ده ها عامل پیدا و پنهان دیگر را مؤثر می داند، هرگز اسراف نمی کند. در حقیقت اسراف، پشت پا زدن، بی توجهی و بی حرمتی به همه عوامل یاد شده است. هرگز شکوفایی و رونق اقتصادی، با اسراف و هدر دادن بیهوده اموال امکان پذیر نیست، و هرگز شخص و ملت اسرافکار، به رشد اقتصادی نخواهد رسید. از این رو، اسراف، آفت کار نیز به شمار می آید، زیرا آن که هم کاری کند و هم اسراف، مانند آن است که در صندوقی که ته ندارد، پول می ریزد و بدیهی است ثروتی برای او اندوخته نخواهد شد و پیشرفتی نخواهد کرد. اسراف، عامل اصلی فقر و تهی دستی نیز به شمار می رود. امام رضا(ع) تباہ سازی اموال را پدیده ای ناپسند می داند، دوستان و پیروان خویش را از این پدیده نامبارک باز می دارد و می فرماید: «ان الله بیغض... اضاعه المال؛ خداوند، تباہ سازی اموال را دشمن می دارد.» (حسن بن علی بن شعبه حرانی، ۱۴۰۴. ه. ق، ص ۸۰۴) تباہی و تزییع، ممکن است بر اثر علت هایی چند پدید آید که از جمله آنها عبارتند از: اسراف کاری و مصرف بیش از اندازه، بی اطلاعی و نبود تخصص و مهارت در مدیریت های مالی، کوتاهی و سهل انگاری در به کارگیری اموال و مانند آنها که موجب می شوند تا سرمایه زندگی تباہ شود و موجب فقر و تهی دستی گردد و حتی سیر و حرکت معنوی انسان نیز دست خوش تزلزل شود. با توجه به کلیت سخن امام رضا(ع) اگر در امور اقتصادی و مسائل مالی، برنامه ریزی درست و حساب شده ای انجام نگیرد، تزییع مال خواهد بود و اگر در داد و ستدها نیز دقت لازم به کار نرود و غبن صورت گیرد، اموال، تباہ خواهد شد. (حکیمی، ۱۳۹۱، صص ۱۴۳ و ۱۴۴) «من الفساد قطع الدرهم و الدینار و طرح النوی؛ تکه تکه کردن درهم و دینار (یا هر پولی دیگر) و دورافکندن هسته خرما (که ممکن است بذر نخلی در آینده شود)، از جمله کارهای فاسد و نادرست است. شیخ صدوق، ۱۴۰۴. ه. ق. ج ۳، ص ۱۶۷)

۱-۱ آثار مطلوب صرفه جویی

الف - کاهش میزان توقعات بی جای اعضای خانواده و تقویت بنیه دفاعی آنها در برابر مشکلات: مرد خانواده با اتخاذ شیوه صرفه جویی، از توقعات و انتظارات بی جا و بیش از حد اعضای خانواده می کاهد. معمولاً فرزندان که در مهد وفور نعمت پرورش می یابند، فعالیت قوای دماغی آنها برای رفع موانع ضعیف است و در طوفان حوادث زندگی مانند پرکاهی از این سو به آن سو پرتاب می شوند. بهترین راه پرورش اعتماد به نفس، این است که اطفال را با مشکلاتی که با وضع فکری و جسمی آنها مناسب است، مواجه سازیم. سپس آنها را به طور مستقیم یا غیرمستقیم، مورد حمایت قرار دهیم تا موفق شوند. چنین کاری سبب می شود که آنها به استعدادهای نهفته خویش پی برند و در راه کشف این منبع خداداد، به کوشش پردازند.

ب - باقی ماندن تمکن مالی برای انفاقهای دیگر: اتخاذ شیوه اعتدال در امور اقتصادی یعنی مبارزه با اسراف کاریها و به هدر دادن ثروتها و سرمایه های اجتماعی و به کار گرفتن آنها در راههای صحیح و مثبت و سازنده. زیرا در اثر حذف هزینه های اضافی در زندگی است که آدمی می تواند امکانات اضافی خویش را در مسیر عمران و آبادی و منافع توده ای اجتماع به کار گیرد.

عن ابی الحسن (علیه السلام) قال: کان ابی یقول: من الاسراف فی الحصاد والجداد ان یدق الرجل بکفیه جمیعاً وکان ابی اذا حضر شیئاً من هذا فراءى احدا من غلمانہ یتصدق بکفیه صاح به اعط بیب و احدة القبضة بعد القبضة والضعف بعد الضعف من السنبل (کتابچی، ۱۳۷۹، ص ۱۲) امام رضا (علیه السلام) فرمود: پدرم می فرمود: از نشانه های اسراف وقت چیدن محصول این است که شخص با دو دست انفاق کند، و هر دو کفش را بر نماید، و پدرم هرگاه می دید، یکی از خدمتگزاران با دو کف پر (دو مشت) صدقه می دهد، بر او بانک می زد که با یک مشت بده. از دانه ها یک مشت یک مشت و از خوشه ها یک قبضه یک قبضه (هر چه می خواهی انفاق کنی)، به یک نفر اختصاص مده، بلکه به مقدار نیاز ببخش تا بتوانی رفع نیاز از دیگر نیازمندان هم بنمایی.



۲-۳ فقر

فقر اساس بسیاری از مشکلات اجتماعی و نابسامانی های زندگی فردی خانوادگی و اجتماعی است. بی تردید انسان در زندگی، در کالبدی جای دارد که از مواد طبیعی تشکیل یافته است و با اشیایی سر و کار دارد و در فضایی زندگی می کند که به وسایل و کالاهای مادی نیازمند است. غذا، لباس، مسکن، نظافت و بهداشت، همه لازمه تداوم حیات انسانی است و نبود یا کمبود هر یک از این امور، ناتوانی، بیماری و فرسایش و پیری زودرس را در پی خواهد داشت (حکیمی، ۱۳۹۱، ج ۱، ص ۶۸). بر همین اساس است که امام رضا(ع) فرمود: «المسکنه مفتاح البوس؛ بینوایی و فقر، کلید بدبختی و بیچارگی است.» فقر دارای علل و زمینه ها و خاستگاههای گوناگونی است. در بعد فردی بیکاری و سهل انگاری از عوامل فقر است. حضرت رضا(ع) برای رفع این معضل خانواده ها را دعوت به کار و کوشش در تأمین نیازهای خانواده نموده اند. و در بعد اجتماعی ظلم و ستم، از علل فقر شمرده شده است. ایشان برای رسیدن جامعه به عدالت اجتماعی، تعیین حق برای افراد را توصیه نموده اند که در این صورت طبق تعالیم رضوی، فاصله طبقاتی در جامعه از بین خواهد رفت و خانواده ها در فاصله کمتری به لحاظ اقتصادی در جامعه در کنار هم خواهند بود. با توجه به نقش فقر در تزلزل نظام خانواده، امام رضا(ع) مسائلی را بیان فرموده اند از جمله آنها، استفاده بهینه از کالاها و سرمایه هاست و هرگونه استفاده نادرست و هدر دادن سرمایه از نظر ایشان محکوم است. رعایت این سفارش امام رضا(ع) باعث رفع بسیاری از کمبودها در سطح خانواده ها و جامعه می شود ایشان در این باره می فرمایند: بی گمان خداوند گفتار بیهوده و تباه سازی اموال و زیاد درخواست کردن را دشمن می دارد. ارزش حیاتی تعالیم رضوی با توجه به اهمیت سرمایه گذاری و تباه نساختن اموال روشن می شود.

۳-۳ مهارت و تخصص در کار

پیشرفت و شکوفایی اقتصادی در گرو تخصص و مهارت است و شخص در صورت ناآگاهی و تخصص نداشتن در کار و حرفه خویش، نه تنها پیشرفت نخواهد کرد، بلکه دچار رکود و عقب گرد خواهد شد. امام رضا(ع) افراد را از سپردن کارها به دست افراد بی تشخیص و ناوارد بازداشته و این مسئله را جزئی از اسلام خالص دانسته و فرموده است: «... البرائة ممن نفی الاخيار... و اوی الطرداء اللعناء... استعمل السفهاء؛ [جزو اسلام خالص است]، بیزار بودن از کسانی که نیکان را تبعید کردند و کسانی را که باید رانده می شدند، در مرکز اسلامی پناه دادند و کم خردان [ناگهان و غیر متخصصان] را به کار گماردند.» (شیخ صدوق، ۱۴۰۴ ه. ق، ج ۲، ص ۱۳۰). امام رضا(ع)، نابسامانی، بی عدالتی، تبعیض، فقر، محرومیت و مشکلات جامعه اسلامی را به عللی نسبت می دهد که از آن جمله: به کار گماردن جاهلان و اشخاص سقیه و ناآگاه است. بنابراین، به کار گماردن کسانی که از نظر فکر و فن اداره جامعه و تدبیر امور مالی و مدیریت اقتصادی و دیگر مسائل اجتماعی، تخصص های لازم را ندارند، باعث عقب ماندگی، نابسامانی، فقر و محرومیت خواهد بود (حکیمی، ۱۳۹۱، صص ۱۳۷ و ۱۳۹).

۳-۴ تعیین مزد کارگر

از احکام و آداب اسلامی درباره کارگر آن است که مزد او پیش از انجام کار تعیین شود. این کار، افزون بر آنکه از درگیری احتمالی میان کارگر و صاحب کار بر سر قیمت در پایان کار جلوگیری می کند، اثر روانی مثبتی نیز بر روحیه کارگر خواهد داشت امام رضا (ع) در این زمینه می فرمایند: کسی که بدون قرار داد و تعیین مزد، کاری انجام دهد، اگر سه برابر مزدش بدهی، باز گمان می کند مزدش را کم داده ای، ولی اگر با او قرارداد ببندی و به مقدار معین شده، پولی به او پردازی، از تو خشنود خواهد بود که براساس قرارداد عمل کرده ای و اگر بیش از مقدار تعیین شده، چیزی به او بدهی هر چند کم و ناچیز باشد، می فهمد که بیشتر پرداخته ای و سپاسگزار خواهد بود.» (مطهری، ۱۳۷۵، صص ۱۳۲ و ۱۳۳)

۵-۳ زراندوزی

زراندوزی و گردآوری بی حساب مال، از عوامل ایجاد شکاف طبقاتی میان افراد جامعه است. خداوند در قرآن کریم به زراندوزانی که هرگز با پول خود انفاق نمی کنند و گره های اقتصادی مردم و جامعه را نمی گشایند، وعده عذابی دردناک می دهد و می فرماید: «کسانی که زرو سیم را گنجینه کرده اند و آن را در راه خدا هزینه نمی کنند، به عذابی دردناک بشارت ده؛ روزی که آن [گنجینه] ها را در آتش بگذارند و پیشانی و پهلو و پشت آنان را با آنها داغ کنند. [و گویند:] این است آنچه برای خود اندوختید. پس [کیفر] آنچه را می اندوختید، بچشید!» (قرآن مجید، سوره توبه آیات ۳۴ و ۳۵) امام رضا(ع) در حدیثی زیبا ریشه های زراندوزی را این گونه بر شمرده است: «لا یجتمع المال الا بخصال خمس: ببخل شدید و امل طویل و حرص غالب و قطیعة الرحم و ایتارالدنیا علی الاخرة؛ مال جمع نمی شود مگر با پنج خصلت: بخل شدید، آرزوی دراز، حرص غلبه کننده، قطع رحم و مقدم داشتن دنیا بر آخرت.» (شیخ صدوق، ۱۴۰۴ ه. ق، ج ۱، ص ۴۱۱) خوی و خصلت های یاد شده در این سخن رضوی(ع)، نشان دهنده بی تعهدی و بی احساسی به محرومان و بینوایان است که زیر پا نهادن اصول عدالت اجتماعی را در پی خواهد داشت. بی گمان، مال اندوزی نکوهیده که انگیزه هایی شیطانی دارد،



موجب درآمدهایی است که از راه های ظلم، استثمار، احتکار، تولید جنس بی کیفیت، غصب، رباخواری و مانند آنها به دست آمده است، نه از راه تولید و سرمایه گذاری های سازنده و کسب های حلال. (حکیمی، ۱۳۹۱، ج ۱، صص ۹۷ و ۹۸).

۳-۶ کمک به تهی دستان

درهرجامعه ای، برخی آدمیان از بدی حادثه تهی دست شدند و در تنگنای مالی قرار گرفتند. این وظیفه توانمندان و ثروتمندان است که گره از کار فروبسته آنان بکشایند و به آنها توان اقتصادی ببخشند، تا خیالی آسوده، به زندگی خویش ادامه دهند. امام رضا(ع) یکی از فلسفه های تشریح «زکات» را استفاده آن در همین موارد می داند و در مقام تبیین حکمت وجوب زکات می فرماید: «خداوند مردمان تندرست را مکلف کرده است تا به کار مردم زمین گیر و گرفتار رسیدگی کنند. [همچنین،] پرداخت زکات موجب برکت مال و سبب رأفت و مهربانی به ناتوانان و توجه به مسکینان و انگیزش مردمان به مساوات و تقویت فقرا و یاری رساندن به آنها در انجام دادن تکالیف دینی است (شیخ صدوق، ۱۴۰۴، ج ۲، ص ۴۱۰). حکمت وجوب زکات می فرماید: «خداوند مردمان تندرست را مکلف کرده است تا به کار مردم زمین گیر و گرفتار رسیدگی کنند. [همچنین،] پرداخت زکات موجب برکت مال و سبب رأفت و مهربانی به ناتوانان و توجه به مسکینان و انگیزش مردمان به مساوات و تقویت فقرا و یاری رساندن به آنها در انجام دادن تکالیف دینی است (شیخ صدوق، ۱۴۰۴، ج ۲، ص ۴۱۰). زندگی اسلامی، زندگی ای است که اجزای آن از یکدیگر منفصل نباشد. از این رو، نماز با زکات قبول می شود و زکات، با نماز به درگاه خدا راه می یابد و ایمان و یقین، با پرداخت زکات شناخته می شود. امام رضا(ع) در حدیثی دیگر، بیزاری از کسانی که اموال را تنها میان ثروتمندان به گردش درمی آورند و انحصار طلب و زراندوز هستند، جزو ایمان ناب دانسته است. (شیخ صدوق، ۱۴۰۴ هـ ق، ج ۱، ص ۴)

۴ - خانواده و اقتصاد از دیدگاه امام رضا (ع)

سخن را با حدیثی از امام علی بن موسی الرضا(ع) آغاز می کنیم که فرمود: تَعَاهُدُ الرَّجُلَ ضَيْعَتَهُ مِنَ الْمَرْوَةِ وَ سَمِنَ الدَّائِبَةَ مِنَ الْمَرْوَةِ وَ الْإِحْسَانَ إِلَى الْخَادِمِ مِنَ الْمَرْوَةِ وَ يَكْبِتُ الْعَدُوَّ قَالَ (ع): اجعلوا لأنفسكم حظاً من الدنيا بإعطائها ما تستهي من الحلال ما لم تثلّم المرؤة ولا سرف فيه و استعينوا بذلك على أمور الدين فإنه نروى ليس منّا من ترك ذنباه لدينه و دينه لذنباه (محدث نوری، ۱۴۰۸ هـ ق ج ۸، ص ۲۲۳). مراقبت شخص نسبت به مال و دارایی، رسیدگی به وسیله سواری، و خوش رفتاری با زیردستان از جوانمردی است، چنان که این امور دشمن را هم فرو می نشاند. همچنین در ادامه این حدیث امام(ع) می فرماید: تا آن جاکه به مروتان لطمه ای وارد نسازد و به اسراف نیانجامد از خواستنی های این دنیا برای خود بهره بگیرد چرا که ما خود روایت می کنیم که پیامبر فرمود: از ما نیست آن که دنیا را برای دینش رها کند؛ و یا دینش را به خاطر دنیا از دست بدهد. دقت در محورهای آموزشی این حدیث دربرگیرنده اصول خوشبختی و ترسیم کننده چارچوب زندگی سالم و موفق برای شخص مسلمان است. این اصول عبارتند از: الف- مسئولیت امور خانواده - ب- داشتن پیوند دو سویه دنیا و آخرت در زندگی ج - التزام به کار و تلاش برای توسعه زندگی - د- رعایت اعتدال در زندگی ذ - قناعت . اکنون به تشریح این ابعاد با اشاره به رهنمودهای آن امام همام می پردازیم.

۱- ۴ مسئولیت امور خانواده

در در خانواده به دلیل نقطه کانون و پایه بودن اودرکارگاه زندگی و خانواده به عنوان نقطه اتکاو مرجع در مسائل زندگی مطرح است و این امر موجب متوجه شدن مسئولیت اودرقبال زندگی خانواده می گردد تا علاوه بر مراقبت از آنان در برابر هجوم و تعدیات به تامین معاش عادلانه آنان همت گمارد تا احساس کمی نسبت به همگنان خود ننماید امام رضا(ع) می فرماید: «يَنْبَغِي لِلرَّجُلِ أَنْ يُوسِّعَ عَلَى عِيَالِهِ لئَلَّا يَتَمَتُّوا مَوْتَهُ» (شیخ صدوق، ۱۴۰۴، ج ۲، ص ۶۸)؛ سزاوار آن است که شخص در زندگی خانوادگی خود توسعه بدهد تا آنان چشم کشان مرگ او نباشند. در حدیثی دیگر که امام رضا(ع) آن را از پیامبر اسلام(ص) نقل می کند به حوزه مسئولیت سرپرست خانواده می پردازد که: شخصی دو دینار به خدمت پیامبر(ص) می آورد و می گوید می خواهم این دو دینار را در راه خدا بدهم. پیامبر(ص) می گوید: پدر و مادرت هستند؟ جواب می دهد آری. می فرماید پس برو برای آن ها، خرج کن. این برای تو بهتر است. او برمی گردد و بعد دوباره دو دینار دیگر می آورد و همان مطلب را درخواست می کند. پیامبر می گوید فرزند داری؟ می گوید آری. می فرماید: برو آن ها را برای او خرج کن، این برای تو از خرج در راه خدا بهتر است. او می رود و این کار را می کند. سپس با دو دینار دیگر خدمت ایشان می آید و می گوید دستور شما را اطاعت کردم ولی این دو دینار دیگر است و می خواهم در راه خدا خرجشان کنم. می فرماید: زن داری؟ می گوید بلی. می فرماید در راه رفاه زنت آن ها را خرج کنی بهتر از خرج کردن آن ها در راه خداست. آن شخص می رود و طبق دستور پیامبر(ص) عمل می کند اما بعداً باز با دو دینار خدمت ایشان می رسد و همان مطلب را تکرار می کند. ایشان از او می پرسد خادمی داری؟ می گوید: بلی دارم. می فرماید این ها را در جهت آسایش او خرج کنی از راه خدا بهتر است برای تو. می رود و در آخرین بار با دو دینار خدمت ایشان می رسد و همان خواسته را بازگو می کند. پیامبر(ص) می گوید برو در راه خدا خرجش کن، اما این را بدان که این دو دینار بهترین پول تو نخواهند بود (شیخ حر عاملی، ۱۴۰۹ هـ ق، ج ۱۵، ص ۱۴۵)



۲-۴ آینده نگری

در میان مکتبها و ادیان الهی همواره دو چیز مورد توجه بنیان گذاران آنها بوده است: دنیا و آخرت. برخی همچون مکتبهای مبتنی بر ماده گرایی^۱ که اصالت رادرفلسفه خودبه ماده داده اند، بدون توجه به مسائل ماورای آن و گروهی دیگر صرفاً از دید معنویت و ماورای ماده به مسائل انسان و زندگی او نگریسته اند و مسائل مادی را صرفاً اموری مقدماتی و به مثابه نردبانی به سوی معنویت و تکامل روحی دانسته اند که ادیانی همچون بودیسم^۲، هندوئیسم^۳، هندوئیسم^۴، مسیحیت^۵ و مکتب عرفانی^۵ معناگرا در این جهت قرار دارند. در این میان، اسلام ناظر به هردو جهت است و با شعار: «وابتغ بین ذلک سیلاً» به ارائه راه میانه و اعتدال مبادرت ورزیده است. میرزا حسن محدث نوری حدیثی رادروسایل الشیعه از امام رضا (ع) نقل می کند: «عَنْ أَحْمَدِ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ أَبِي نُصْرٍ عَنْ أَبِي الْحَسَنِ الرَّضَا (ع) أَنَّهُ سَمِعَهُ يَقُولُ كَانَ أَبُو جَعْفَرٍ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ (ع) لَا يَشْتَرِيَانِ عُقْدَةً حَتَّى يَدْخُلَا طَعَامَ السَّنَةِ وَ قَالَ إِنَّ الْإِنْسَانَ إِذَا أَدْخَلَ طَعَامَ سَنَةٍ خَفَّ ظَهْرُهُ وَ اسْتَرَاحَ (محدث نوری ج ۱۵، ص ۱۴۵) (راوی می گوید امام رضا (ع) فرمود: امام باقر و امام صادق (ع) اقدام به خرید هیچ کالایی نمی کردند مگر بعد از این که درآمدشان هزینه سالشان را تأمین نماید؛ و می گفتند انسان حقیقتاً وقتی خرجی سال خود را درآمد داشته باشد سبکبال و خیالش راحت است. چنان که می بینیم این حدیث گویای آن است که از نظر اسلام باید شخص مسلمان از حیث مالی تأمین باشد و شاخص آن نیز هزینه زندگی برای یک سال در نظر گرفته شده است (همان، ج ۱، ص ۱۱۵).

۳-۴ کار و تلاش برای بهبود و توسعه در زندگی

در اسلام مسئولیت اداره امور زندگی در خانواده بر عهده پدر به عنوان سرپرست خانواده است برآمدن از عهده هزینه های زندگی نیازمند تلاش و کوشش است. پیشوایان اسلام، به ما توصیه نموده اند تا آنجا که در توان داریم از ارتزاق بدون تکیه بر دسترنج خود پرهیز نماییم. امام رضا (ع) حدیثی را در این مضمون از پیامبر (ص) نقل می کند که: «ان رجلاً أتى النبي (ص) ليسأله فسمعه و هو يقول من سألتنا اعطيناه و من استغنى أغناه الله فانصرف و لم يسأله ثم عاد إليه فسمع مثل مقالته فلم يسأله حتى فعل ذلك ثلاثاً فلما كان في اليوم الثالث مضى و استعار فأسا و صعد الجبل فاحتطب و حمله الى السوق فباعه بنصف صاع من شعير فأكله هو و عياله ثم دام على ذلك حتى جمع ما اشترى به فأسا ثم اشترى بكرين و غلاما و أيسر فأتى النبي (ص) فأخبره فقال أليس قد قلنا من سألتنا أعطيناك و من استغنى أغناه الله» (امام رضا علی بن موسی (ع) ، ۱۴۰۶، ص ۳۶۶). کسی به خدمت ایشان آمد تا چیزی درخواست کند، پیامبر (ص) فرمود: هر که از ما چیزی بخواد به او می دهیم اما اگر بی نیازی ورزد و اظهار نکند خداوند او را بی نیاز خواهد کرد. آن شخص سه بار به همین منظور آمد و همین سخن را از پیامبر (ص) شنید. روز بعد رفت و تبری را قرض گرفت و به کوه زد و پشته هیمه ای جمع نمود و به بازار برد و به نیم کیلو خرما فروخت و با خانواده خود آن را صرف نمود. وی همین عمل را هر روز ادامه می داد تا توانست درآمدی کسب کند و از آن برای خود تبری و مالی و غلامی بخرد. وقتی بعد از آن به حضور پیامبر (ص) آمد و مراتب را نقل کرد ایشان فرمود: مگر نگفتم هر که از ما چیزی بخواد می دهیم ولی اگر بی نیازی ورزد خداوند او را بی نیاز می کند. در نگاه امام رضا (ع) این حقیقت را می بینیم که تلاشی که مرد برای اداره امور زندگی می کند یک تلاش زودگذرانه و از سر جبر نیست. کار او عبادت خداوند است و او در آن حال نزد خداوند چون مجاهدی تلقی می شود که بر صف مشکلات و سختی ها هجوم آورده است و آن ها را یکی پس از دیگری قلع و قمع می کند. امام رضا (ع) می فرماید: «وَ اعْلَمْ أَنَّ نَفَقَتَكَ عَلَى نَفْسِكَ وَ عِيَالِكَ صَدَقَةٌ وَ الْكَادَّ عَلَى عِيَالِهِ مِنْ حِلٍّ كَالْمُجَاهِدِ فِي سَبِيلِ اللَّهِ» (محدث نوری، ۱۴۰۸ هـ ق، ج ۱۳، ص ۵۴). آن خرجی که برای خود و اهل خانه می کنی صدقه محسوب می شود و آن کسی که از راه حلال برای افراد تحت تکلفش رنج می کشد همچون مجاهد در راه خداست. با این رویکرد مسأله کار و تلاش برای ایجاد توسعه در زندگی معنا پیدا می کند و لذت بخش می شود. بر این اساس یکی از توصیه های مهم پیشوایان دینی و از جمله امام رضا (ع) ایجاد رفاه، توسعه و سهل گرفتن در مخارج زندگی و تأمین نیازمندی آن است. از آن بزرگوار نقل شده است که فرمود: «صَاحِبُ النُّعْمَةِ يَجِبُ عَلَيْهِ التَّوَسُّعُ عَنْ عِيَالِهِ» (کلینی، ۱۳۶۵ هـ ق، ج ۴، ص ۱۱). توسعه دادن در هزینه خانواده بر شخص دولتمند واجب است.

۴-۴ اعتدال در زندگی

چنان که می بینیم مردم معمولاً در بخش مصارف زندگی دو منش دارند و از دو روش پیروی می کنند: مصرف بیهوده و اسراف؛ و یا تنگ گرفتن و امساک. امام رضا (ع) برای بالا بردن سطح زندگی و نجات خانواده از فقرآموزه های نجات بخشی را توصیه فرموده اند که در این میان رهنمودهای زیر در زمینه اعتدال در هزینه کردن یعنی نه اسراف و نه تنگ گیری؛ و نیز توجه به قناعت حایز اهمیت فراوان است. در این رابطه علامه مجلسی حدیثی را از امام رضا (ع) نقل کرده که راهگشاست: «...عَنْ بَعْضِ أَصْحَابِهِ قَالَ سَمِعْتُ الْعَبَّاسِيَّ وَ هُوَ يَقُولُ اسْتَأْذَنْتُ الرَّضَا (ع) فِي النَّفَقَةِ عَلَى الْعِيَالِ فَقَالَ بَيْنَ الْمَكْرُوهَيْنِ قَالَ فَقُلْتُ جُعِلْتُ فِدَاكَ لَا وَاللَّهِ مَا أَعْرِفُ الْمَكْرُوهَيْنِ قَالَ فَقَالَ لِي يَرْحَمَكَ اللَّهُ أَمَا تَعْرِفُ أَنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ كَرِهَ الْإِسْرَافَ وَ كَرِهَ الْإِفْتِنَانَ فَقَالَ وَالَّذِينَ إِذَا أَنْفَقُوا لَمْ يُسْرِفُوا وَ لَمْ يَقْتَرُوا وَ كَانَ بَيْنَ ذَلِكَ قَوَامًا» (مجلسی، ۱۴۰۴ هـ ق، ج ۶۸، ص ۳۴۷). از امام رضا (ع) درباره خرج زندگی دستوری خواستم. ایشان فرمود: بین

^۱ Materialists

^۲ Buddhism

^۳ Hinduism

^۴ Manichaeism

^۵ Spiritual



دو امر ناخوش. گفتیم من آن را نمی‌شناسم. فرمود آیا نمی‌دانی که خداوند عزوجل اسراف را ناخوش داشته است و همچنین تنگ‌گرفتن را. آن‌جا که می‌گوید: آنانی که وقتی خرج می‌کنند نه اسراف می‌کنند و نه تنگ می‌گیرند و روش پایمندی بین این دو دارند. البته آن امام همام فرموده: «لَيْسَ فِيمَا يَنْفَعُ الْبَدَنَ إِسْرَافٌ إِنَّمَا الْإِسْرَافُ فِيمَا أَتْلَفَ الْمَالُ وَ أَضَرَ بِالْبَدَنِ» (همان، ج ۴، ص ۱۳) در آن چه سود به بدن انسان می‌رساند اسراف نیست. اسراف در آن چیزهایی است که مال تلف می‌شود و به بدن آسیب می‌رساند. از دیدگاه امام رضا(ع)، تصرفات شخص در اموال خویش نیز محدود است؛ یعنی این گونه نیست حال که انسان مالک اموالی است و به وی تعلق دارد، بتواند در آنها هرگونه که خواست، تصرف کند، بلکه تصرف او باید در حد میانه و متعادل و به دور از اسراف و خست باشد. او هم اجازه ندارد که خست ورزد و در مصرف بر خود سخت گیرد و هم مجاز نیست که اموال خویش را ریخت و پاش نماید. امام رضا(ع) در پایان سخن خویش به کلام خداوند استدلال فرمود که در آن واژه «قوم» آمده است. مقصود از قوم؛ یعنی آن استواری و اقتصادی که موجب سامان یافتن زندگی همه افراد می‌شود که در آن، نه کسی محروم ماند و نه کسی بی حساب برخوردار گردد. روشن است که هر چیز آنگاه می‌تواند عامل «قوم» باشد و زمینه استواری چیز دیگری را فراهم آورد که در موضع مناسب خود قرار گیرد و موضع مناسب، همان حد میانه و دور بودن از اسراف و خست است. اسراف و اقتار(خست) که دو سوی حد میانه است، ضد قومیت مال است؛ یعنی مایه قوم و سامان یابی فرد و جامعه نیست، همین مال که عامل بقا و قوم است، در حال افراط و تفریط، عامل تباهی و هلاکت فرد و جامعه خواهد بود.

۵-۴ قناعت

سئل الرضا (عليه السلام) عن القناعة؟ فقال (عليه السلام): القناعة تجتمع الى صيانة النفس، وعزالقدر، وطرح موونة الاستكثار والتعبد لاهل الدنيا. (کتابچی، ۱۳۷۹، ص ۱۲) از حضرت امام رضا (عليه السلام) سؤال شد: قناعت چیست؟ حضرت در پاسخ فرمود: قناعت، جامع صفات خویشتن داری و ارجمندی و آسوده شدن از زحمت فزون خواهی و بندگی در برابر دنیاپرستان است. ((قناعت)) نقطه مقابل ((حرص و ولع)) است. ((حرص)) یک نوع تضاد میان روح و جسم از نظر اشباع نیازهای مادی است. ((حریص)) به کسی می‌گویند که به قدر کافی جسم او در برابر نیازهای مادی اشباع شده ولی روح او همچنان فقیر و گرسنه است، ولی ((قانع)) کسی است که هماهنگی در میان جسم و روح او برقرار شده، هنگامی که به مقدار کفایت و نیاز بیاید، روح و جسم او اشباع می‌گردد و بی جهت حرص نمی‌زند و به حقوق دیگران حمله نمی‌کند. در حقیقت (قناعت) یک نوع بی‌نیازی روحی و برخورداری از سرمایه اعتماد به نفس و قدرتهای اخلاقی است. (همان، ص ۱۲). عن ابي الحسن الرضا (عليه السلام) قال: من لم يقنعه من الرزق الا لكثير لم يكفه من العمل الا لكثير، ومن كفاه من الرزق القليل فانه يكفيه من العمل القليل (همان، ص ۱۲). امام رضا (عليه السلام) فرمود: کسی که جز به روزی زیاد قناعت نکند، جز عمل بسیار برایش کافی نیست. (پیوسته زیاده طلب و حریص است) و هر چه به دست آورد، او را بی‌نیاز نکند و هر که روزی اندک کفایتش کند، عمل اندک هم کفایش باشد اگر کمتر چیز دنیا او را بی‌نیاز سازد، خدا هم به عمل اندک او با داشتن روحیه قناعتش راضی است. عن ابي الحسن الرضا (عليه السلام): من رضى عن تعالى بالقليل من الرزق، رضى الله عنه بالقليل من العمل (همان، ص ۱۳). امام رضا (عليه السلام) فرمود: کسی که به روزی اندک از خداوند خشنود باشد، خداوند از او به عمل کم، خشنود خواهد شد. بهره‌بردن از شیوه قناعت، علاوه بر آن که خانواده را از افتادن در چاله فقر ننگه می‌دارد، اهم کارسازی در جهت شکوفایی استعدادها و خلق ابتکارات است. امام رضا(ع) در حدیثی که در مستدرک و فقه الرضا آمده است فرموده: «قَالَ اللهُ سُبْحَانَهُ ارْضُ بِمَا آتَيْتَكَ تَكُنْ مِنْ أَعْيُنِ النَّاسِ وَ أَرُوى مَنْ قَنِعَ شَبِعَ وَ مَنْ لَمْ يَقْنَعْ لَمْ يَشْبَعْ» (محدث نوری، ۱۴۰۸ هـ ق، ج ۱۵، ص ۲۲۵). خداوند می‌فرماید: تو به آن چه روزیت کرده‌ام خشنود باش تا از بی‌نیازترین مردم باشی و من روایت می‌کنم که هر کس قناعت پیشه داشت سیر است و هر که قانع نباشد سیر نمی‌شود. امام رضا (ع) در حدیثی دیگری فرمایند: «و نروى إن دخل نفسك شيء من القناعة فاذكر معاش رسول الله (ص) فانما كان قوته الشعير و حلاوته التمرو و قوده السعف إذا وجد» (امام رضا علی بن موسی(ع)، ۱۴۰۶ هـ ق، ص ۳۶۶). اگر خاطرت را به چیزی از روش قناعت جلب می‌کنی، به شیوه معاش و گذران پیامبر(ص) توجه کن که خوراکش نان جوین، شیرینی او خرما، هیزم اجاقش برگ و پوسته نخل، آن هم اگر می‌یافت بود.

۱-۵ آثار قناعت

- ۱ - پرورش قناعت مانع تن دادن به هرگونه پستی در انسان است.
- ۲ - قناعت، آدمی را از احساس هرگونه ناامنی در زندگی (همچون دلهره و اضطراب) بازمی‌دارد و به او فرصت می‌دهد که با تسلط بر نفس، نیروهای خود را در جهت سازنده به کار اندازد.
- ۳ - روح قناعت به انسان شخصیت اجتماعی می‌بخشد و او را به احترام حقوق دیگران وامی‌دارد.
- ۴ - قناعت انسان را در برابر ارتکاب بسیاری از گناهان (ناشی از حرص) مصون می‌دارد.
- ۵ - هر که در زندگی قناعت پیشه کند، رنج او کمتر است و خود و خاندانش در آسایش و سبکباری زندگی می‌کنند.
- ۶ - فرد قانع، اسیر و مقهور جلوه‌های فریبنده دنیا نیست، بلکه عیوب دنیا و کیفیت رفع نقایص را کاملاً می‌شناسد. مسلم است که خداوند عمل بنده ای را می‌پذیرد که دلش از تعلق به همه بندهای دنیوی رسته باشد و معمولاً اشخاص قانع چون به روزی اندکی که خداوند نصیبشان کرده راضیند، خداوند نیز عمل اندک آنها را می‌پذیرد (کتابچی، ۱۳۷۹، ص ۱۲).



۵- نتیجه گیری

اقتصاد مسئله ساده و بی اهمیتی نیست دینداری ومعنویت، بقاء و عزت، حماسه و اقدام ، عفت و اخلاق، هنر و فرهنگ ، امید و تکاپو و شور آوری و سازندگی هر جامعه ای به چگونگی نظام اقتصادی آن جامعه بستگی دارد نگاه ویژه امام رضا(ع) به موضوع اقتصاد و روابط مالی آمیخته ای از لزوم اخلاق، تعهد و مسئولیت پذیری در روابط اقتصادی، اجتماعی و فردی است. امام رضا(ع) می فرماید : ان الذی یطلب من فضل یکف به عیاله اعظم اجرا من المجاهد فی سبیل الله. از منظر امام رضا(ع) انسان متعهد برای به دست آوردن روزی حلال و برطرف کردن نیازهای مادی و گذران امور زندگی خود باید تلاش کند. آن حضرت می فرماید: کسی که به فضل پروردگاردربی روزی حلال می رود تا رفاه خانواده خود را تامین کند و از دیگران بی نیاز باشد ، پاداشش نزد خداوند بیش از کسی است که در راه خدا جهاد و مبارزه کند. ایشان در بیانی دیگر داشتن حساب و کتاب در مخارج زندگی و رعایت دخل و خرج را از خصوصیات انسان مؤمن و کامل بر شمرده و می فرمایند : « لا یتکمل عبد حقیقه الايمان حتی تكون فیه خصال ثلاث: التفقه فی الدین و حسن التقدير فی المعیشه، و الصبر علی الرزایا (ابن شعبه حرانی، ۱۴۰۴. ق تحف العقول، ص ۸۰۴) ؛ تا سه خصلت در انسان نباشد، حقیقت ایمان او کمال نیابد: شناخت عمیق از دین، اندازه داشتن در زندگی و پایداری در مصیبت ها. « بدیهی است که زندگی بی حساب و کتاب و فاقد محاسبه و اندازه داری، تعادل و هماهنگی لازم را نداشته و با وجود صرف نیرو و سرمایه فراوان، بازدهی بسیار اندکی خواهد داشت و در نتیجه امکانات و نیروها هدر رفته و استواری و پایداری حیات فرد و جامعه دچار مخاطره می گردد. آن امام همام در بیانات دیگری پیروان خویش را به تلاش و کوشش ، میانه روی و اعتدال ، کسب روزی حلال و تامین معاش خانواده توصیه نموده و از اسراف و تبذیر و تباه سازی اموال بر حذر می دارد که این توصیه ها نشان دهنده توجه به تمام ابعاد زندگی انسانی به ویژه بعد اقتصادی در سیره عملی و گفتاری آن حضرت است حال اگر این دستورات امام رضا (ع) در کلیه شئون زندگی افراد مورد توجه قرار گیرد برای هر انسانی در هر عصری مفید و سازنده خواهد بود و کلیه عقب ماندگی ها و فقر ها (فقر فرهنگی و اقتصادی) از خانواده ها رخت بر خواهد بست و زمینه پویایی ، استقلال و آزاد منشی افراد جامعه را فراهم می سازد و انسان را از هر گونه بندگی و بردگی نجات خواهد داد و این بهترین دستاورد تعالیم آن حضرت برای بشر امروزی است.

منابع

- ۱- ابو محمد حسن بن علی بن حسین بن شعبه حرانی، (۱۳۸۳) ، تحف العقول، ترجمه و تحقیق: صادق حسن زاده، آل علی، قم، ناشر حوزه علمیه قم چاپ سوم
- ۲- امام رضا علی بن موسی (ع) ، (۱۴۰۶ هـ.ق)، فقه الرضا، مشهد، انتشارات کنگره جهانی امام رضا(ع)
- ۳- حکیمی، سید محمد، (۱۳۹۱)، معیارهای اقتصادی در تعالیم رضوی، قم، ناشر حوزه علمیه قم
- ۴- محمد رضا، محمد و علی حکیمی، (۱۳۸۱) ، الحیاء، تهران، ترجمه: احمد آرام، دفتر نشر فرهنگ اسلامی ، چاپ سوم
- ۵- شیخ حر عاملی، (۱۴۰۹ هـ.ق)، وسائل الشیعه، قم، نشر موسسه آل البيت علیهم السلام
- ۶- شیخ صدوق، محمد بن علی حسین بن بابویه قمی ، (۱۳۷۸ هـ.ق)، عیون أخبار الرضا(ع)، قم، انتشارات جهان
- ۷- شیخ صدوق، محمد بن علی بن حسین بن بابویه قمی، (۱۴۱۳ هـ.ق) ، من لایحضره الفقیه، قم، انتشارات جامعه مدرسین
- ۸- عمادزاده، مصطفی، (۱۳۷۸) ، مباحثی از اقتصاد آموزش و پرورش، اصفهان، انتشارات جهاد دانشگاهی
- ۹- قرآن مجید.
- ۱۰- کتابچی، محسن، (۱۳۷۹)، آیین زندگی امام رضا(ع) ، مشهد، نشر الف
- ۱۱- کلینی، محمد بن یعقوب ، (۱۳۶۵) ، الکافی، تهران، نشر دارالکتب الاسلامیه
- ۱۲- مجلسی، محمد باقر ، (۱۴۰۴ هـ.ق) ، بحار الانوار، بیروت، لبنان، نشر موسسه الوفاء
- ۱۳- محدث نوری، میزا حسین، (۱۴۰۸ هـ.ق) ، مستدرک الوسائل، قم، نشر موسسه آل البيت علیهم السلام
- ۱۴- مطهری، مرتضی ، (۱۳۸۵) ، نظری به نظام اقتصادی اسلام، تهران، نشر صدرا ، چاپ سیزدهم
- ۱۵- مطهری، مرتضی ، (۱۳۷۶) ، داستان وراستان، تهران، صدرا